

مکاسب محروم / تصویر و تمثیل

بسم الله الرحمن الرحيم

عکاسی

فرع دهم در فروع ذیل بحث تمثیل و تصویر مسأله مربوط به عکسبرداری های جدید است، روشن است که این نوع تصویربرداری چیزی است که سابقه نداشته است، و در زمان ورود نص نبوده است که بتوانیم مصدقی درباره آن پیدا کنیم. علی القاعده اگر در آن زمان این شکل تصویربرداری و... بود، علی القاعده مورد سؤال قرار می گرفت. آن چه آن زمان متعارف بوده نقاشی یا صورت گری بود. شکل مجسمه یا نقاشی بوده که با دست و قلم موبی و قلم های مختلف که آن زمان بود صورت هایی را تصویر می کردند.

شمول «صور» بر عکاسی

این شکل امر جدیدی است و لذا محل بحث قرار گرفته است که آیا اطلاقات «من صور صورتاً و من مثل مثالاً» شامل عکسبرداری هم می شود؟ در اینجا همان طور که عرض کردیم دو نظریه وجود دارد:

الف. مشمول اطلاق

یکی این که اینها را مشمول همه اطلاقات می داند و اگر کسی قائل به حرمت یا کراحت باشد می گوید اینها حرام یا مکروه است. مثل مرحوم سید یزدی و در معاصرین هم در انوار الفقاہة این طور آمده است.

ب. عدم شمول

در نقطه مقابل جمع زیادی از فقهاء معتقدند به این که این عکسبرداری از موضوع تصویر و روایات خارج است. غالب آقایان مثل خوئی و حضرت امام و تبریزی و بزرگان دیگر نظر دوم را دارند که مانع ندارد و مشمول این اطلاقات نیست.

بحث هم خالی از اهمیت نیست حتی اگر کسی قائل به حرمت نباشد. به هر حال احتیاطی وجود دارد ممکن است قائل به کراحت شود و عکسبرداری امروز پدیده رایجی است چرا که سؤال، سؤال مهمی است مورد ابتلاست. عکسبرداری ها هم حکم نقاشی ها را دارد اگر بگوییم نقاشی حرام یا مکروه است یا عکسبرداری آن حکم را دارد این سؤال و دو قول و نظریه ای که وجود دارد.

ج. شمول حکم در ظاهر کردن عکس

اینجا ممکن است تفصیلی هم قائل شویم که به آن شکل گفته نشده است. تصویربرداری در خود دستگاه مانع ندارد اما ظاهر کردن مانع دارد اشکال به نحو تحریم یا تنزیه دارد. و این احتمالی است که کسی چنین تفصیلی قائل شود. احتمالی است که از نظر فقهی قابل تأمل است. بنابراین دو تا قول است و می شود احتمال سومی را افزود که نه عکسبرداری حرام و مکروه است و نه این که مطلقاً جایز است بلکه عکس و فیلم گرفتن مانع ندارد ولی اظهار روی کاغذ مانع دارد. ادله این اقوال چیست؟

دلیل عدم شمول اطلاق (امام)

یک دلیل این قول مثل حضرت امام و آقای خوئی و بزرگان دیگری که مشهور این متأخرین که وقتی این بحث مطرح شد مشهور این است که مانع ندارد جمع زیادی قائلند که مانع ندارد و عکسبرداری وارد در اطلاعات نیست، اولین دلیل ممکن است که اینجا ذکر شود و امام مطرح کردند این که ما چون قائل هستیم به این تصویر و تمثیل با دست و به شکل مباشر حرام است اما تصویر و تمثیلی که به وسیله آلات و جهازات و مکائن و ماشین باشد مانع ندارد. چون قاعده کلی را این طور پایه ریزی کردیم. آن وقت اینجا خارج از اطلاعات می شود چرا؟ برای این که اطلاعات و ادله حرمت یا کراحت تصویر و مجسمه مربوط به ساخت بالید است. اما صنع یا ایجاد این صور بالجهازات و دستگاه ها و ماشین ها و بخصوص ابزارهای پیشرفته ای که سابقه ای در زمان ورود نص نداشته اند را دربرنمی گیرد. در این استدلال بحث کبروی است یعنی می گوید اصلاً صور و مثل، صور صورتاً مختص بالید بالمبادره است تصویر ماشین را نمی گیرد. ذبح باید با ماشین نباشد یا امثال این.

جواب آقای اعرافی

اشکال مبنایی است و جواب هم مبنایی است اگر کسی کبری را بپذیرد درست است. اگر حکم اختصاص به دست دارد نه به ماشین، خارج از دلیل است. طبعاً دلیل اینجا را نمی گیرد چون روشن است که صورتگری با ماشین این طور نیست که با دست تصویر کند و طراحی کند بلکه با ماشین است و شامل اینجا نمی شود منتهی این اشکالش همان اشکال دیروز است ما این را قبول نداریم من صور و... این ادله هم شامل ساخت به دست می شود و هم با آلات و جهازات..... چه یک نقاش ماهر توانمندی بنشینند و یک صورتی را بکشد چه با دستگاه این صورت طراحی شود و هیچ فرقی در این جهت نیست. امام این را فرمودند و استدلال به آن مبنایی و پاسخش هم مبنایی است.

نحوه عمل دستگاه عکسبرداری (دقیق موضوعی)

وجه دومی که می شود اینجا ذکر کرد که در بعضی کلمات آمده این است که:

شماره ثبت: ۱۸۴۸

باید دقت کنیم دستگاه عکسبرداری و سیستم آنها چگونه است و کارشان چیست و دقت موضوعی بحثمن است و بحث حکمی نیست. بعد از مرحوم سید یزدی و در کلمات آقای خوئی و بزرگان دیگر آمده است. دقت موضوعی این است که ببینیم در تصویربرداری و دستگاههای عکاسی چه اقدامی انجام می شود. ظاهرش این است که در واقع در عکسبرداری یک عدسی شبیه چشم درست می کنند و تصاویر بیرونی که در چشم ما منعکس می شود و با همان هم ما می بینیم و به معزمان منتقل می شود. عکاسی مثل دیدن است و ساخت عدسی شفاف سیقلی و آینه واری است که تصویر را جلوه می کند.

در عکسها ما دو مرحله را طی می کنیم یک مرحله ساخت عدسی شفاف است با ترتیبات خودش تنظیم می شود، دستگاه برابر یک چهره قرار می گیرد و آن را منعکس می کند و صورتی از او در آنجا انعکاس می کند. کار دومی که می کند در عکسبرداری مرحله دوم این است این شکل و این صورت و سایه بماند و حفظ شود که فرقش با چشم و آینه این است که در چشم ماندگاری ندارد به عکس، این مقوله که سایه و انعکاس اینجا باقی می ماند و مرحله سوم این است که این سایه محفوظ مانده در این عدسی دوربین، روی کاغذی منعکس می شود.

اطلاق حکم بر مراحل عکسبرداری

نقاشی و صورتگری و طراحی در این بحث نیست، و حفظ صورت اینجاست و بعبارت دیگر در این مراحل هیچ کدام صورتگری نیست، آن مرحله اول که جسمی ساختند که شیء در آن منعکس می شود و این که مانع ندارد اگر مانع داشت آینه هم مانع باید می داشت که در تمام عصور این بوده و اشکالی نداشته است و اصل نگاه به آینه هم اشکال ندارد. در واقع در این مرحله آینه حساب شده و علمی است.

مرحله دوم که حفظ می کند و صورت را حفظ می کند این هم مانع ندارد و مرحله سوم هم که آن را منتقل به یک جایی می کند و این انتقال یک صورتگری جدید و نقاشی نیست و تنها انتقال به جای دیگر است.

عکسبرداری ایجاد الصور نیست و حفظ الصور است و آقای خوئی مثال زدند که کسی اینجا آینه گذاشته و صور اشیاء منعکس می شود و اگر بیاییم موادی به آن بزنیم که صور این اشیاء روی آن بماند این که اشکالی ندارد و این هم از این قبیل است. وقتی دقت کنیم عکسبرداری غیر از نقاشی است و غیر از تصویر است تحقیق این وجه این است که این سه مرحله را ما باید جدا ببینیم و همین طور نمی توانیم بگوییم که حفظ الصور هستند.

مفهوم عرفی عکس

جهت اول در بررسی این مسئله این است که کسی بگوید این بحث که بحث عرفی است و در یک بحث عرفی نباید این دقتها را کرد. عرف نقاشی می گوید، می گوید تصویر کرده، صور، ایجاد صورت شیء است، عرف می

شماره ثبت: ۱۸۴۸

گوید ایجاد الصورت است. این یک وجه است که در انوار الفقاوه آمده و زمان سیدیزدی در حاشیه شان خیلی گذرا گفته و رد شده و معلوم نشده است.

این وجه حتماً درست نیست، درست است که با مکائن و... می گوییم درست است ولی عرف وقتی دقت کند همین حرف را می گوید و عرفی که می گوییم عرف با دقت است و عرف با تسامح نیست. فلذا این طور نمی شود که به این سادگی گفت چیز عرفیش درست نیست، عرف مسامحی که نیست. جواب اول این است که این عرفی است و عرف فرق نمی گذارد و ما عرض می کنیم از جهت این که ماشین و... باشد مانع ندارد ولی این دقت عرفی خارج از ضوابط فقهی نیست و باید در شناخت موضوع دقت اعمال شود. گرچه ما موضوع را از عرف می گیریم ولی عرفی که دقت لازم را دارد.

شمول عکاسی بر حفظ صور

جهت دوم در بررسی این است که باید مراحل ترکیب شود و مرحله اول را قبول داریم اشکال ندارد برای این که چهره را در خودش مثل آینه منعکس می کند. اما مرحله دوم مانع دارد و مرحله دوم که حفظ صورت است و انعکاس را در دوربین، برای این که دلیل بر این که ظاهرش مثل «صورّ صورتاً» شاید ایجاد باشد ولی حفظش هم ایجادش است فرقی نمی کند یا خود دلیل شامل حفظ می شود یا اگر نشود لااقل الغاء خصوصیت می شود وقتی شارع می گوید مجسمه نسازید یا نقاشی نکنید این هم را دربرمی گیرد.

ایجاد مجسمه یا نقاشی کردن شامل جایی که صورتی که ایجاد شده و با تصرف و تعمد شما آن حفظ شود را هم می شود مثل این که دارد از جایی ماده ای بیرون می آید مثلاً از یک آتششانی مواد مذابی می آید و کسی قالب مجسمه ای را بگذارد و مواد مذاب داخل آن برود و این قالب را بردارد و مجسمه را بردارد و بگوید من که مجسمه ایجاد نکرم و شکلی ایجاد شده است. این صورت را حفظش کردم یا همانی که در آینه است، افتادن عکس در آینه یا نگهداشتن تصویر در آینه این مانع ندارد اما اگر کاری کنید این صورت در آینه بماند گفتم چه کسی گفته ادله این را دربرنمی گیرد. پس در اینجا مرحله اول مانع ندارد و اما مرحله دوم مانع دارد چرا؟ چون حفظ الصورت بود و تثبیت صورت بود و این حفظ مشمول اطلاقات است ولو این که ابتدا به ذهن بیاید که ایجاد صورت است ولی حفظش هم همین است و فرقی نمی کند.

حفظ غیر از اقتناع است و نگهداری به این معناست که همه کارهایش تمام شده است و منع استعمال و استفاده از آن چیز است و اما این حفظ یعنی این که صورتی ثابت را کاری می کنیم که ثابت بماند و محفوظ باشد. ماندن مشمول این ادله است. اگر حفظ نکنید صورتی دیگر در عالم نیست. و این صورت را می گوییم. دلیل شامل آن می شود یا لااقل الغاء خصوصیت می کند، یعنی ایجاد کند یا چیزی ایجاد شده را حفظ کند و موجب بقاء آن شود.

ظهور حکم بر ایجاد یا حفظ فعل

این وجه دوم مبنای بنیاد این بحث به یک بحث مهمی در ظهور ادله است و آن بحث این است که ادله ای که به صورت یک فعل حکمی برای یک چیز ذکر شده اند، اینها اختصاص به ایجاد دارد یا شامل حفظ هم می شود، احداشی است یا ظهور موضوع ایجادی است و یا حال ابقاء را هم دربرمی گیرد؟ مثلاً فرض بگیریم دروغ گفتن، یک نوعش این است که دروغ را در سایت اینترنتی نگه می دارد، دروغی نگفته است ولی آن را نگه می دارد، ولی او ایجاد نکرد، بلکه روی سایت گذاشته و حفظ کرده است آیا منع کذب، شامل حفظ کذب هم می شود یا اغتاب شامل حفظ آن غیبت هم می شود یا من صور شامل حفظ آن هم می شود و شامل نگهداری این صورت هم می شود؟ این محل بحث است و اختلاف بین آقایان است.

الف. ظهور حکم بر ایجاد

بعضی می گویند این ادله ظهور در حالت ایجادی و احداشی دارد و یک حالت ابقاء‌ی را نمی گیرد. منع صور دو حالت دارد: یکی ایجاد، یکی نگهداری و حفظ است. مهم نیست که عرفا بگویند صور یا نه، ولی عرف می گوید غرض شارع این است که این جایی ماندگار نشود و حالا جایی ایجاد کنید یا کاری انجام دهید که این صورت در آینه بکند و فرقی از لحاظ ملاک و مناطق نمی کند. آنها که می گویند این اقدام هم شامل روایت است اینگونه استدلال می کنند.

ب. ظهور حکم بر ایجاد و حفظ

نظر دیگر هم می گوید این حفظ الصورة دلیل نیست. صور یا به لفظ یا مناطق، فرقی نمی کند وقتی اراده می کند این صورت در آنجا بماند هیچ فرقی نمی کند بالمنطق و اللفظ، یا لاقل بالمناطق والملاک شامل آن می شود. مرحله اول مانعی ندارد مثل آینه، صور را منعکس می کند و در مرحله دوم که حفظ است که با یک دکمه آن را ماندگار می کند در اینجا مناطق شامل و لفظ شامل آن می شود و مرحله دومش اشکال دارد.

مناطش این است که وقتی شارع می گوید ا چیزی را ایجاد می کند، این نقش را یا ایجاد می کند یا نقش آمده را کاری می کند که حفظ شود و فرقی نمی کند منتهی نقش را همه اش را خودش انجام داده است و یا این که موجب حفظ آن شده است. اگر بگوییم صور صادق است و اگر این را نگوییم لاقل مناطش صادق است.

در مرحله اول مانعی ندارد و جوابش این است که چون آینه وجود داشته و آن قطعاً اشکال نداشته است، صرف اینکه صوری منعکس می شود قطعاً مانعی ندارد و احدي نگفته آینه اشکال دارد. و تا وقتی اشکال ندارد که کاری نکند که آن صورت ماندگار شود چون کار آینه است و متمم کار ابقاء‌ی است که انجام می دهد و مجموعش محروم می شود. هر دو با هم صور را صادق می کند و اولی به تنها یی کافی نیست.